

نقد نظریه انتخاب عقلانی در تصمیم‌گیری سیاست‌های راهبردی

محمدتقی پوریان^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۲/۳۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۲۱

چکیده

تصمیم‌گیری یکی از مهم‌ترین مباحث در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری است. اگرچه ریشه‌های اصلی تئوری‌های مربوطه در علم مدیریت بسط و گسترش یافته‌اند اما دامنه این تئوری‌ها به مهم‌ترین عرصه تصمیم‌گیری یعنی حوزه امنیت هم کشیده شده است. از این منظر در این پژوهش قصد بر این است با بررسی الگوی عقلایی تصمیم‌گیری، به نقد این نظریه و نارسایی‌های آن در تصمیم‌گیری امنیتی پرداخته شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که نظریه انتخاب عقلایی در تصمیم‌گیری امنیتی با مشکلات و نارسایی‌هایی روبروست. چراکه به پشتوانه مباحث نظری، داعیه بر آن است که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده نظریه انتخاب عقلایی، برخوردار از «اطلاعات جامع و کامل»، «اطمینان کامل از شرایط و اهداف»، «محاسبه سود و ارزشمندی اقتصادی» است؛ حال آنکه نظر به ماهیت پیچیده مقوله امنیت و شرایط پراهمیت تصمیم‌گیری امنیتی در شرایط مختلف عادی و بحرانی همیشه این مؤلفه‌ها مقدور و میسور نبوده و توجه به سودمحوری در این نظریه؛ «نارسایی‌های تصمیم‌گیرندگان» شامل بی‌توجهی به ارزش‌ها و احساسات، «اشکالات در فرآیند تصمیم‌گیری» شامل ناتوانی در تعیین شرایط واقعی اهداف، «پایین بودن کیفیت اطلاعات» شامل ضعف در بررسی اطلاعات را به دنبال داشته است. اطلاعات موردنظر برای انجام این پژوهش به شیوه اسنادی - کتابخانه‌ای گردآوری شده است. با توجه به ماهیت موضوع و مؤلفه‌های مورد بررسی، رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی - تحلیلی» است.

واژگان کلیدی: تصمیم‌گیری، انتخاب عقلایی، تصمیم‌گیری سیاست راهبردی، نقد انتخاب عقلانی

مقدمه

تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری اصلی‌ترین بخش و مهمترین فعالیت دستگاه اجرایی کشورها است و به همین دلیل اندیشمندان علم سیاست با کمک از تئوری‌های علم اقتصاد و مدیریت، به بررسی امر تصمیم‌گیری در سیاست‌ها می‌پردازند. مفاهیم و مولفه‌های تصمیم‌گیری، ساختار تصمیم‌گیری، فرآیند تصمیم‌گیری و عوامل موثر بر تصمیم‌گیری بخش اعظم تحقیقات این حوزه را به خود اختصاص می‌دهد. با بررسی الگوها و مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری معلوم می‌شود که اتفاق نظری در بهره‌گیری از مدل‌های تصمیم‌گیری وجود ندارد بنابراین به وضوح می‌توان سیطره بلامنازع الگوی عقلایی را در تصمیم‌گیری‌های راهبردی مشاهده کرد. الگوی عقلایی تصمیم‌گیری با اخذ مفروضات علم اقتصاد، تصویری اقتصادی از انسان و تصمیمات او عرضه می‌کند که مهمترین مشخصه آن محاسبه سود و زیان مادی است. در این مفروض تصمیم‌گیری عقلایی نمی‌تواند به هیچ وجه تصویر کاملی از تصمیمات انسان در تمام شرایط ارائه کند و درست به همین دلیل با چالش‌ها و انتقادات زیادی مواجه است. با عنایت به مباحث فوق، مساله اصلی این است که "مفاهیم نظریه انتخاب عقلاتی در تصمیم‌گیری راهبردی، مطالعه و ابعاد آن مورد نقد قرار گیرد."

پیشینه موضوع

در نظریه تصمیم‌گیری، عنصر ادراک یا برداشت از جایگاه مرکزی برخوردار است. بیشتر نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری هنگام بحث از «تعریف موقعیت»، تلقی تصمیم‌گیران از جهان را مهمتر از واقعیت عینی می‌دانند. اما جوزف فرانکل مدعی است که نظریه تصمیم‌گیری باید محیط عملیاتی را مدنظر قرار دهد زیرا هر چند عواملی که حضوری در ذهن تصمیم‌گیران ندارند می‌توانند بر انتخاب‌های آنان تأثیر گذارند ولی ممکن است اینگونه عوامل بدان دلیل حائز اهمیت باشند که بر نتایج تصمیمات آنها محدودیت‌هایی را تحمیل می‌کنند. به همین ترتیب مایکل برچر تاکید دارد که «محیط عملیاتی بر نتایج یا بازآمدهای تصمیمات به طور مستقیم تأثیر می‌گذارد ولی تنها با گذشتن از صافی تصورات تصمیم‌گیران است که انتخاب میان شقوق سیاست‌گذاری یعنی خود تصمیمات را تحت تأثیر قرار می‌دهند. به نظر دیوید ایستون، تصمیمات «برونداها» ی نظام سیاسی هستند که از طریق آنها ارزش‌ها در داخل یک جامعه به نحو اقتدارآمیز توزیع می‌شود. بررسی نحوه اخذ تصمیمات، نخستین بار در حوزه‌هایی غیر از علم سیاست موضوع

تحقیق منظم و اصولی قرار گرفت. تصمیم‌گیری، کانون توجه آن دسته از دانشمندان علم سیاست بود که به تحلیل رفتار تصمیم‌گیری رأی دهندگان، قانونگذاران، مقامات اجرایی، سیاستمداران، رهبران گروه‌های ذی نفوذ و سایر بازیگران صحنه سیاست علاقه داشتند. تصمیم‌گیری صرفاً عمل‌گرایش میان راه‌حل‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی است که در موردشان یقین و قطعیت وجود ندارد. هم در مورد سرشت فرآیند تصمیم‌گیری و هم در مورد مناسبترین قالب فکری برای مطالعه آن مناقشاتی وجود دارد.^۱

اسنایدر برخی از موقعیت‌ها را نسبت به برخی دیگر، سازمان‌یافته‌تر می‌داند. موقعیت‌ها از نظر فوریت یا فشار برای اتخاذ عمل نیز بسیار متفاوتند. تلقی یک مسئله به عنوان مسئله‌ای عمدتاً سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی یا فرهنگی در حالت عادی بر این امر که چه کسی و چگونه باید آن را حل کند تأثیری تلویحی خواهد داشت. دستیابی به ارزیابی نسبتاً صحیحی از گرایشات و نیروهای مختلفی که در یک موقعیت خارجی فعالند از دل آرای درهم و برهم دیپلمات‌های حرفه‌ای، محققان، روزنامه‌نگاران و دیگران دشوار است. به همین دلیل، تصمیم‌گیری سیاست خارجی احتمالاً پیچیده‌تر از تصمیم‌گیری داخلی است.^۲

به نظر *ویر*، در تمامی نظام‌های سیاسی و اقتصادی پیشرفته، ساختارهایی دیوانی سر برمی‌آورند که هم به فرآیند تصمیم‌گیری و هم به برونداد آن یعنی تصمیمات، شکل می‌دهند. اما دیوانسالاری هم مانند خود حکومت‌ها - بویژه در نظام‌های سیاسی دموکراتیک - با محدودیت‌های بودجه‌ای روبرو هستند. بدین ترتیب، هواداران انواع برنامه‌های سیاست خارجی و دفاعی در جریان تخصیص منابع کمیاب با یکدیگر رقابت دارند.^۳ *ویر* چهار نوع کنش را از یکدیگر تفکیک می‌کند. بر این مبنا کنش عقلانی معطوف به هدف را تنها کنشی می‌داند که در کاملترین مفهوم خود عقلانی است. وی در تعریف این کنش هدف عقلانی و کارآمدترین راه نیل به هدف را ویژگی این نوع کنش می‌داند که با توسعه جامعه سرمایه‌داری و جامعه صنعتی بیش از پیش سیطره پیدا کرده است.

مورتون هالپرین ضمن بررسی چند تصمیم‌سیاست خارجی نشان داده است که چگونه «مسائل سیاسی داخلی، بر تصمیمات و اقداماتی که از قرار معلوم، جهت‌گیری رو به خارج دارند تأثیر می‌گذارند» و چگونگی شیوه توجه مقامات به مسائل، غالباً به جایگاه و چشم‌انداز دیوانی آنها بستگی دارد. هالپرین نتیجه می‌گیرد که اقدامات یا پیشنهادات یک حکومت برای تأثیرگذاری بر

1. strategicreview.org.

2. Strategicreview.org.

3. Strategicreview.org.

رفتار یک حکومت دیگر، معمولاً بر پایه الگوی ساده "دو فردی" استوار است که با یکدیگر به درستی ارتباط می‌گیرند، در حالی که در واقعیت امر این تصمیمات احتمالاً محصول یک فرآیند «کشاکش» پیچیده دیوانی است که دست‌اندر کارانش نیز درک کاملی از آن ندارند. به علاوه، او مدعی است که پاسخ حکومت بیگانه هم، احتمالاً نتیجه فرآیند کشاکش دیوانی مشابهی است.^۱

غیر از هربرت سایمون، اقتصاددان برجسته و نظریه پرداز مدیریت، کسی به شکل بنیادی با مدل کهن تصمیم‌گیری عقلایی به معارضة نپرداخته و در عین حال در داخل یک چارچوب عقلایی باقی مانده است. او وجود یک جهان «عقلانیت محدود» را مفروض می‌انگارد و به جای مفهوم کهن، رفتار بیشینه‌سازانه یا بهینه‌سازانه مفهوم رفتار «بسنده جویی» را می‌گذارد. بر عکس سایمون بر آن است که واحدهای تصمیم‌گیری تنها تا زمانی به ارزیابی متوالی بدیل‌های مختلف ادامه می‌دهند که به بدیلی از حداقل میزان قابل قبول، دست یابند. به عبارت دیگر افراد تا زمان یافتن راه‌حلی که بتواند آن را به‌عنوان راه حلی به حد کافی رضایت‌بخش، عملی سازند به رد کردن راه‌حل‌های غیررضایت‌بخش ادامه می‌دهند.^۲

گلن اسنایدر و پل دیزینگ نیز سه نظریه تصمیم‌گیری، یعنی ۱- بیشینه‌سازی مطلوبیت (نظریه عقلایی کهن)؛ ۲- عقلانیت محدود (اقتباس شده از مدل «بستگی جویی» سایمون) و ۳- سیاست دیوانی را به شیوه تجربی در حدوداً ۵۰ نمونه بحران به آزمون کشیده‌اند. مدل بازیگر خردمند آنان نیز مانند مدل آلیسون، بر اساس انتخاب یک بدیل از میان تمامی بدیل‌های قابل دسترس که در عین حال مطلوبیت مورد انتظار را بیشینه سازد استوار است. در سنت عقلانیت محدود، چنین فرض می‌شود که اگر باید میان دو ارزش متفاوت (مثلاً صلح و امنیت ملی) دست به انتخاب زد، هیچ راه عاقلانه‌ای جهت انجام این محاسبه وجود ندارد که برای تحصیل میزان مشخصی از یکی، چه مقدار از دیگری را باید فدا کرد. تصمیم‌گیران قادر به بیشینه‌سازی نیستند.^۳

در جمع‌بندی نظریه‌های مطرح شده می‌توان گفت: مهمترین ریشه نظریه انتخاب عقلانی (که اختیار عاقلانه و گزینش معقولانه نیز نامیده شده است)، در دیدگاه صاحب‌نظران اقتصاد کلاسیک و نوکلاسیک می‌باشد. اقتصاددانان کلاسیک انسان‌ها را به‌عنوان جستجوگران منطقی که به دنبال حداکثر کردن سود خویش هستند، می‌شناسند. آدام اسمیت تقسیم کار و اشتغال افراد به مشاغل مختلف را نتیجه منطقی تمایل افراد به مبادله می‌داند که منشأ آن نفع شخصی است. اقتصاددانان

1. Strategicreview.org.
 2. Strategicreview.org
 3. Strategicreview.org

نو کلاسیک در ادامه همین راه قصد داشتند علم اقتصاد را براساس تنها اصل مسلمی که «انسان در جستجوی تمتع بیشتر با کوشش کمتر است پایه‌ریزی کنند. مفهوم مرد اقتصاد (Homo Economics) برای آنها انسانی فرضی است که به طور منطقی و با روش کاملاً عقلانی در تعقیب منافع شخصی خود می‌باشد (قدیری اصلی ۱۳۷۶: ۳۲۴-۳۲۳) که البته نفع شخصی افراد در کنار هم تشکیل دهنده نفع اجتماعی نیز می‌باشد. طرفداران رویکرد انتخاب عقلانی از سال ۱۹۸۹ به بعد با چاپ مجله‌ای به نام «عقلانیت و جامعه» نظریه خویش را بیش از پیش بسط دادند. انتشار کتاب «بنیادهای نظریه اجتماعی» نوشته جیمز کلمن که از مهمترین نظریه‌پردازان این دیدگاه محسوب می‌شود؛ یک حرکت رو به جلو در نظریه انتخاب عقلانی محسوب می‌شود.

مهمترین ریشه درون جامعه‌شناسی نظریه انتخاب عقلانی، رویکرد جامعه‌شناسی رفتاری و نظریه مبادله می‌باشد. نظریه مبادله بر محور اقتصاد کلاسیک و مفروضات آن شکل گرفت. هومنز با تکیه بر نظریه اسکینر معتقد بود هر رفتاری که پاداش بیشتری برای فرد داشته باشد، احتمال اینکه آن رفتار از وی سر بزند بیشتر است. هومنز معتقد بود که انسان از یک سو در جستجوی حداکثر سود و از سوی دیگر در پی حداقل هزینه‌هاست. پیتر بلاو دیگر نظریه‌پرداز مکتب مبادله نیز همان قضایای هومنز را در سطح ساختارهای کلان اجتماع بررسی کرده است. نهایتاً باید گفت قضایای عام‌میتز ریشه‌ای منفعت‌طلبانه برای رفتار انسان قائل است. رویکرد انتخاب عقلانی از دهه ۱۹۷۰ توانست حضور جدی خود را در علوم اجتماعی تحکیم بخشد و اکنون بخش قابل توجهی از نظریه‌پردازان و تبیین‌های نظری را در این علوم بویژه علم مدیریت تشکیل می‌دهد.

روش پژوهش

سوال اصلی: اشکالات و انتقادات نظریه انتخاب عقلانی در تصمیم‌گیری سیاست راهبردی از چه ابعادی برخوردار است؟.

فرضیه اصلی: نظریه انتخاب عقلانی تصمیم‌گیری سیاست راهبردی در قالب محدودیت‌های تصمیم‌سازی، نارسایی‌های تصمیم‌گیران و اشکالات گردآوری اطلاعات، نقدپذیر است.

شیوه جمع‌آوری اطلاعات و آزمون فرضیه

اطلاعات این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و پرسشنامه ۱۰ سوالی محقق ساخته جمع‌آوری شد. روش تحقیق نیز توصیفی تحلیلی بوده و آزمون فرضیه به شیوه تی/استیودنت انجام شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش را ۳۰ نفر از صاحب‌نظران حوزه سیاست تشکیل می‌دهد لذا به لحاظ تمام شمار بودن، نیازی به محاسبه حجم نمونه و نمونه‌گیری نبوده است.

مفاهیم تصمیم‌گیری

تعاریف زیادی از تصمیم‌گیری صورت گرفته است ولی همه آنها بر این مسئله تاکید دارند که تصمیم بر انتخاب فرد دلالت دارد و فرد این انتخاب را از بین گزینه‌های موجود که ممکن است محدود و یا نامحدود باشند، انجام می‌دهد. در زیر برخی از مهمترین تعاریف تصمیم‌گیری ارائه می‌شود.

*تصمیم‌گیری عبارت است از انتخاب یک راه از میان راه‌های مختلف (الوانی، ۱۹۳: ۱۳۷۳)؛

*تصمیم‌گیری فراگردی است که از طریق آن راه حل مسئله معینی انتخاب می‌گردد

(رضاییان، ۱۳۸: ۱۳۷۱)؛

*تصمیم‌گیری فراگردی است که طی آن شیوه عمل خاصی برای حل مسئله یا مشکل ویژه

برگزیده می‌شود (استونر، ۱۵۹: ۱۳۷۹).

تصمیم‌گیری فرآیندی است خاص شامل: انتخاب یک راه و روش از میان دو یا چند روش موجود. تصمیم به معنای انتخابی خودآگاه است که به فرد امکان می‌دهد تا بر اساس مجموعه‌ای از شرایط داده شده، نحوه رفتار و طرز فکر خاص آن مجموعه بررسی و سپس یک گزینه؛ مقبول واقع و بعد اجرا شود. تصمیم زمانی گرفته می‌شود که انتخاب انجام شده باشد. از تصمیم‌گیری نمی‌توان صرف نظر کرد زیرا امتناع ورزیدن از تصمیم، یک نوع تصمیم است (عباس زادگان، ۴۱: ۱۳۸۳).

تصمیم‌گیری صرفاً عمل‌گزینش میان راه‌حل‌های جایگزین یا بدیل‌های موجودی است که

در موردشان یقین و قطعیت نداریم (دوئرتی و فالتز گراف، ۱۳۸۸: ۷۲۰)

تصمیمات مطابق واژگان دیوید ایستون؛ "برون داده‌های" نظام سیاسی هستند که از طریق آنها

ارزش‌ها به نحو اقتدارآمیز در داخل یک جامعه توزیع می‌شوند (دوئرتی و فالتز گراف، ۱۳۸۸:

۷۱۹)

به نظر محقق؛ تصمیم‌گیری راهبردی یکی از شاخه‌های سیاست‌گذاری است که بر مبنای آن،

منافع ملی هر نظام سیاسی در برابر تهدیدات داخلی و خارجی تامین می‌شود.

ویژگی‌های تصمیم‌گیری راهبردی

برخی از متفکران علوم سیاسی و روابط بین‌الملل تصمیم‌گیری را نخستین گام برای شناخت معناها و پیچیدگی‌های کنش نظام امنیت بین‌الملل می‌دانند (هیل، ۱۳۸۷: ۸۱).

به نظر جیمز دوئرتی و رابرت فالتزگراف، بررسی تصمیم‌گیری برای درک سیاست بین‌الملل امر بدیهی نیست. بیست و چهار قرن قبل "توسیدید" مورخ یونانی در کتاب "جنگ پلوپونز" عواملی را مورد بررسی قرار داده است که رهبران دولت‌شهرها را به تصمیم‌گیری در مورد مسائل جنگ و صلح و نیز تشکیل اتحاد و امپراتوری، آن هم با حداکثر دقتی که تحت آن شرایط برایشان ممکن بود، رهنمون می‌ساخت. وی نه تنها به دلایل آگاهانه انتخاب‌های دولتمردان و دریافت آنها را از محیط سیستمی توجه داشت بلکه همچنین نیروهای روانی عمیق‌تر ترس، افتخارجویی و نفعی را مدنظر داشت که با ترکیبات مختلف، این دولتمردان را در مقام فرد به حرکت وا می‌داشت و ذائقه حاکم بر جامعه آنها را نیز تعیین می‌کرد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۷۲۰).

اسنایدر و همکارانش ویژگی‌های خاص و متمایزکننده تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری را به شرح زیر توصیف کرده‌اند که به لحاظ قرابت مفهومی می‌توان این ویژگی‌ها را در مورد تصمیمات راهبردی نیز بیان کرد:

- در تصمیم‌گیری راهبردی طیف وسیع‌تری از اهداف و طرح‌های ممکن و در نتیجه طیف وسیع‌تری از برداشت‌های ممکن وجود دارد.
- در تصمیم‌گیری راهبردی، مخاطبان از ناهمگونی بیشتری برخوردار بوده و در نتیجه واکنش‌ها و خواسته‌های بالقوه خصومت‌آمیز یا ارضا نشده آنها را می‌توان دید.
- برای دسترسی به اجماع نظر در تصمیم‌گیری راهبردی، باید طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌ها را با یکدیگر تلفیق کرد.
- «موقعیت» و «وضعیت» اتخاذ تصمیمات راهبردی علاوه بر پیچیدگی بیشتر از ثبات و قطعیت کمتری برخوردارند از این‌رو پیش‌بینی و کنترل پیامدهای کنش دشوارتر می‌باشد.
- منابع اطلاعات گسترده‌تر بوده و از قابلیت اطمینان کمتری برخوردارند از این‌رو در تصمیم‌گیری راهبردی طبقه‌بندی اطلاعات از اهمیت بسیاری برخوردار است.
- «فقدان نسبی فرص‌های تجربی» و «کم‌تعداد بودن موقعیت‌های قابل تکرار» از شرایط اتخاذ تصمیمات راهبردی است.

• اندازه‌گیری و سنجش کارایی سازمانی و نتایج سیاست‌ها از دشواری‌های تصمیمات راهبردی است.

ابعاد و مولفه‌های تصمیم‌گیری راهبردی

پس از اشاره به تعاریف تصمیم‌گیری و ویژگی‌های خاص تصمیم‌گیری در سیاست راهبردی، اشاره به ابعاد و مولفه‌های زیر می‌تواند به فهم صحیح ما از نظریه عقلانی تصمیم‌گیری کمک نماید. در اغلب نوشته‌های مربوط به تصمیم‌گیری بین این مقولات تفاوت چندانی قائل نمی‌شوند و یا احیاناً مرزبندی دقیق بین این ابعاد را مشخص نمی‌سازند؛ همین مسئله مطالعات مربوط به تصمیم‌گیری سیاسی در حوزه مدیریت راهبردی را با دشواری خاصی روبرو کرده است. این ابعاد شامل ساختار و فرآیند تصمیم‌گیری است:

الف- ساختار تصمیم‌گیری

ساختار تصمیم‌گیری یا سیاست‌گذاری به مفهوم سلسله مراتب و جایگاهی است که تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاران و نهادهای تصمیم‌گیرنده در فرآیند تدوین و اجرای سیاست راهبردی، نظرات آنها غالب است. تصمیم‌گیری در سطح توسط بازیگران فردی، نهادها و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که در فرآیند تصمیم‌گیری جایگاه و مرتبه مشخص و معینی دارند. در ساختار تصمیم‌گیری توجه به دو مسئله حائز اهمیت است: نخست، بررسی ساختار و نهادهای رسمی و غیررسمی تصمیم‌گیری، حجم عظیمی از تالیفات موجود در ارتباط با سیاست‌گذاری‌ها به بررسی ساختار تصمیم‌گیری در سیاست است که ربط وثیقی با نظام مدیریت راهبردی دارد. بحث دیگر در بررسی ساختار تصمیم‌گیری، توجه به نقش و اهمیت عناصر تصمیم‌گیر در سیاست‌های کلان می‌باشد؛ به عبارت دیگر برخی از محققان در مطالعه سیاست توجه خود را به جایگاه عناصر تصمیم‌معطوف می‌کنند و قصد دارند بدین ترتیب عنصر تاثیرگذار در تصمیم‌گیری راهبردی را مورد شناسایی قرار دهند. آنها ضمن مطالعات خود تفاوت در جایگاه تصمیم‌گیری را براساس نوع سیستم و نظام سیاسی توضیح می‌دهند.

ب- فرآیند تصمیم‌گیری

در فرآیند تصمیم‌گیری نحوه تبدیل داده‌های سیستم به ستاندها رقم می‌خورد (خوشوقت، ۱۳۸۲):

۹۲). به عبارت دیگر در فرآیند تصمیم‌گیری بحث از کانال و مسیری است که یک تصمیم از مراحل آغازین تا مرحله اخذ را طی می‌کند. در چارچوب فرآیند تصمیم‌گیری باید به نقش و اهمیت هر یک از نهاد مسئول در امر امنیت به عنوان متولی اصلی تصمیم‌گیر در سیاست راهبردی توجه کرد. این فرآیند اشاره به مقدمات و محدودیت‌هایی دارد که تصمیم‌گیر باید در حین اتخاذ تصمیم آن را لحاظ نماید. به نظر می‌رسد آنچه که در این بین مهم و تعیین‌کننده می‌باشد، میزان قدرت کشور در عرصه‌های مختلف و مجموعه عوامل داخلی و خارجی است که با مفهوم "آزادی عمل" پیوند خورده است (رضائی، ۱۳۸۰: ۳۸). بدیهی است هر کشوری که دارای منابع قوی قدرت باشد از منابع موثرتری در تصمیم‌گیری برخوردار است. همچنین ارزش‌های اجتماعی و عادات مردم (خصیصه‌های ملی) ارزش‌ها و عقاید و احتیاجات تصمیم‌گیرندگان، ناسیونالیسم، ایدئولوژی، افکار عمومی، رجوع به سوابق، احتیاجات کشور و گروه‌های ذی نفوذ، شخصیت رهبران بزرگ ملی، نوع حکومت، وضعیت قدرت و توانایی کشور، موقعیت و نقش کشور در صحنه اوضاع و احوال بین‌المللی از عوامل موثر بر تصمیم‌گیری راهبردی بشمار می‌رود (بهزادی، ۱۳۵۰: ۳).

نظریه انتخاب عقلانی در تصمیم‌گیری سیاست راهبردی

انسان به‌عنوان یک موجود اقتصادی و برخوردار از تعقل کامل در محیطی که برای وی کاملاً مشخص و معلوم است، به "مطلوب‌ترین" انتخاب‌ها دست می‌زند. مطلوب‌ترین انتخاب از دیدگاه چنین فردی مترادف با توفیق در دستیابی کامل به هدف سازمان و یا نیل به بیشترین نتیجه مطلوب است.

لیتل از الگوی بازیگر عقلانی با تعبیر اختیار عاقلانه یاد می‌کند و معتقد است در این الگو فرض بر این است که آدمیان در چند راهی‌ها، راهی را که با اغراض‌شان موافق است، انتخاب می‌کنند، برای رفتن به هر راهی محاسبه سود و زیان می‌کنند و پس از بررسی ادله موافق و مخالف، به راه مورد نظر می‌روند (لیتل، ۱۳۸۸: ۶۵).

نظریه انتخاب عقلانی را آلیسون در سیاست‌گذاری تحت عنوان "بازیگر خردمند" مفهوم‌سازی کرده است؛ از نظر آلیسون، کوشش برای تغییر رویدادهای بین‌المللی براساس هدف‌ها و محاسبه‌های ملت‌ها و دولت‌ها علامت مشخصه الگوی بازیگر خردمند است (آلیسون، ۱۳۶۴: ۳۶). بنابراین نظریه عقلانی در مواجهه با پدیده‌های کلان کشور چنانچه مبتنی بر محاسبه سود و زیان از سوی بازیگران خردمند انتخاب شود، سیاست‌گذاری جنبه کلاسیک و منعطف در

برابر منافع ملی به خود می‌گیرد.

انتخاب عقلایی در رویکردی نیت‌مندانه و رفتارگرایانه ذهن انسان، نقش تعیین‌کننده دارد. طبق مفروضات این رویکرد از رفتارگرایی، انسان فقط موجودی طبیعی نیست که صرفاً به تبع عوامل بیرونی رفتار کند بلکه موجودی حسابگر است. فلسفه *آدام اسمیت* و *جان لاک* پشتوانه فلسفی رفتارگرایان نیت‌مند است. این دو متفکر، انسان را موجودی حسابگر می‌شناسند که در پی افزایش نفع و کاهش ضرر خود است؛ بنابراین انسان موجودی است که عاقلانه انتخاب می‌کند. طبق این نظریه، پدیده‌های اجتماعی همان مجموعه حاصل از کنش افراد محاسبه‌گر است (منوچهری، ۱۳۹۰: ۴۸).

از سویی دیگر بر اساس نظریه انتخاب عقلایی، پدیده‌های اجتماعی حاصل افعال آدمیانی است که هدف معینی بر اعمال‌شان حاکم است؛ یعنی اعمال آدمیان به سنجش عاقلانه نزد آنها مسبوق است. بدین معنا پدیده‌های اجتماعی، حاصل افعال هدفدار بسیاری از افراد محسوب می‌شوند.

در بکارگیری انتخاب عاقلانه به‌عنوان الگوی تحلیل، شخص محقق ابتدا کردار یک فرد را به‌عنوان انتخابی که مبتنی بر محاسبه‌گری اوست در نظر می‌گیرد آنگاه شیوه تبدیل رفتار انفرادی به یک پدیده جمعی را توضیح می‌دهد. بر همین اساس الگوی انتخاب عاقلانه به دو نوع است: یکی مبتنی بر عقلانیت مولفه‌ای و دیگری مبتنی بر عقلانیت استراتژیک. در نوع اول پدیده جمعی صرفاً یک جمع کمی از رفتارهای فردی محسوب می‌شود؛ اما در نوع دوم پدیده جمعی حاصل تعاملات بین افراد است (منوچهری، ۱۳۹۰: ۴۹). چنین انتخاب یا تصمیمی فقط بر اساس مفروضات زیر ممکن است:

الف- تصمیم‌گیری در شرایط اطمینان کامل انجام می‌گیرد؛

ب- تصمیم‌گیرنده نه تنها این اطلاعات را به‌طور جامع و کامل در اختیار دارد بلکه از توانایی لازم برای استفاده از این اطلاعات برخوردار است؛

پ- معیارهای انتخاب روشن است و تصمیم‌گیرنده دارای یک سیستم رجحان منطقی است که می‌تواند با نظم بخشیدن به ارزش‌های خود، راه‌های مختلف را ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی کند؛

ت- تصمیم‌گیرنده ضمن اینکه می‌تواند نتایج مرتبط هر راه را (از لحاظ اقتصادی یا سایر ارزش‌ها) محاسبه و با دیگر راه‌ها مقایسه کند در انتخاب راه از آزادی عمل کامل برخوردار

است؛

ث- در چارچوب این مفروضات، تصمیم‌گیرنده اقتصادی یا فردی که منحصراً در قلمرو مدیریت علمی فکر می‌کند، قادر است راهی را انتخاب کند که بالاترین ارزش را از لحاظ اقتصادی برای وی به همراه داشته باشد (استونر و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۶۶).

نقد نظریه انتخاب عقلانی در تصمیم‌گیری

نظریه عقلانی همچون اقتصاد و مدیریت پارادایم غالب در سیاست‌گذاری است. به تعبیر میتنر و دی روئن بسیاری از تحلیل‌های علمی در تصمیم‌گیری راهبردی از مفروضات بازیگر عقلانی منبعث شده‌اند. مخصوصاً پارادایم رئالیستی، دولت‌ها را به مثابه بازیگران واحدی فرض می‌کند که به دنبال به حداکثر رساندن سود در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل است (Mintz & Derouen, 2010).

از آنجا که دست‌مایه‌های اولیه نظریه تصمیم‌گیری، حاصل کار اقتصاددانان و محققان مدیریت بازرگانی بوده است، لذا این نظریه در شکل اولیه خود نمایان‌گر بسیاری از مفروضات عصر روشنگری و فایده‌گرایی بنیادی، همراه با تاکیدات آنها بر اهمیت عقل و آموزش در اتخاذ انتخاب‌های انسانی و اجتماعی است. این نظریه وجود فردی عقلایی را مسلم می‌انگارد که از تمام بدیل‌های قابل دسترس به روشنی آگاه است و هم قادر به محاسبه نتایج تک‌تک آنها و هم انتخاب آزادانه یکی مطابق با سلسله اولویت‌های ارزشی خود است. چنین فرض‌هایی در قرن حاضر به شکل جدی مورد تردید قرار گرفته است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۷۲۷).

مفروضات بازیگر عقلانی از مشخصه‌های اقتصاد خرد است. تصمیم‌گیران شخصی در اقتصاد خواهان خرید کمتر، فروش بالا و به حداکثر رساندن ثروت می‌باشند. این نظریه، بخشی را برمی‌گزیند که سازمان را به حداکثر سود می‌رساند.

نظریه عقلانی به دنبال اطلاعات جدید در شبکه عریضی است که در آن تصمیم به وسیله شخص و یا گروه کوچکی گرفته می‌شود تا به بهترین نتیجه برسد (Mintz and Derouen, 2010: 8). این نکته در اکثر کشورهای در حال توسعه نیز شالوده تصمیم‌گیری است. نگاه اقتصادی به ماهیت انسان در این الگو باعث شد تا انتقادهای جدی به این نظریه وارد شود. مهمترین این انتقادات، عدم توجه به نقش و تاثیر عواطف و احساسات در تصمیم‌گیری انسان و نادیده انگاشتن ارزش‌ها و سیستم باورهای فردی است که به نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری دارند. انتقادات

وارد بر نظریه عقلانی دو تحول مهم را در عرصه الگوها و مدل‌های تصمیم‌گیری در پی داشت: نخست اینکه این انتقادات منجر به جرح و تعدیل‌هایی شد که در نظریه عقلانی صورت گرفت و باعث شد گونه‌های مختلفی از این نظریه مطرح شود. دوم اینکه این مدل‌ها زمینه را برای طرح الگوهای جایگزین در عرصه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری فراهم کرد. در این پژوهش فقط به انتقادات وارد بر نظریه تصمیم‌گیری راهبردی پرداخته می‌شود.

انتقادات وارد بر تصمیم‌گیری عقلانی درباره پدیده‌های کلان هر جامعه بیش از هر چیز معطوف به تعریف مادی‌گرایانه از ماهیت انسان و عدم توجه به نقش باورها و ارزش‌های انسانی در تصمیم‌گیری است و به نظر می‌رسد الگوی بازیگر عقلانی از توجه به سایر ابعاد آدمی غفلت ورزیده است. این نظریه تاکید اساسی بر ابعاد سخت افزاری و فرآیندی دارد و با نگرش بر جنبه‌های مادی، کمی و اقتصادی؛ تصمیم‌گیرنده را به نقش بلندمدت عوامل ملموس و محسوس در تصمیم و پیامدها توجه می‌دهد (تسلیمی، ۱۳۸۷: ۸۵).

آمارتیا سن در نقد نگاه عقلانی به انسان در الگوی بازیگر عقلانی معتقد است: انسان اقتصادی خالص، هالویی اجتماعی بس نیست. سن بر آن است که بجای عقل سودجو و بیشینه‌طلب، می‌باید مفهوم مضبوط‌تری از عقل عملی را نهاد که تعهدات را در مقام تصمیم‌گیری ملحوظ می‌دارد. این مفهوم از عقل، ادله غیرسودجویانه را نیز در بر می‌گیرد که اصول اخلاقی از جمله انصاف و حق‌شناسی و غمخواری برای دیگران از اهم آنها هستند. به نظر سن، در تحلیل رفتار، نسبت کالای همگانی تعهدات اهمیت ویژه‌ای دارند و لذا وی بر آن است که برای درک صحیح حوزه‌های مختلف رفتار عقلانی انسان، می‌باید هم عزم بر بیشینه‌کردن فایده را منظور داشت و هم وفای به تعهدات را. به علاوه باید به تجربه معلوم کرد که در هر حوزه، کدام عامل غالب است و کدام عامل مغلوب (لیتل به نقل از سن در 104 sen. 1982: p. 97). دلایل سن توضیح می‌دهد که بر اساس ادله تجربی و تحلیلی متقن، بسیاری از رفتارهای واقعی آدمیان را نمی‌توان بر حسب انگیزه بیشینه‌کردن فایده تبیین کرد. از این مطلب چنین می‌توان نتیجه گرفت که یا آدمیان نوعاً عاقل نیستند و یا در تلقی استاندارد از عقلانیت خللی است. «سن» به راه دوم می‌رود و چاره کار را در این می‌بیند که مفهوم مضبوط‌تری از عقل عملی بنا کنیم که جا را بر تعهدات شخصی، سیاسی و اخلاقی، علاوه بر دغدغه‌های مادی و رفاهی باز کند. وی عقلانیت را بسی پیچیده‌تر از آن می‌داند که مدل ساده بیشینه‌کردن فایده افاده می‌کند و اصول اخلاقی و پایبندی به تعهدات را از ارکان عمده و ویژه آن بر می‌شمارد (لیتل، ۱۳۸۸: ۹۹) لیتل در نقد الگوی بازیگر عقلانی می‌نویسد: این

الگو البته فارق از مناقشه نمانده است و پاره‌ای از عالمان علم‌الاجتماع معتقدند که این رویکرد در تجرید خصایص فرهنگی رفتار آدمی افراط کرده است و لذا از رفتار واقعی اجتماعی انسان به دور افتاده است. به نظر لیتل مفاد استدلال یاد شده این است که چگونه اصول ارزشی و اخلاقی را می‌باید به نحوی از انحا در مفهوم عقلانیت منظور کرد؟ تحقیقات اخیر در فلسفه اخلاق، راه را قدری روشن می‌کند. بسیاری از فیلسوفان اخلاق حجت آورده‌اند که دایره عقلانیت عملی بسی گسترده‌تر از عقلانیت اقتصادی است. به همین دلیل تامس نیگل ادله فراوان می‌آورد تا ثابت کند که نوع دوستی از مقتضیات عقلانیت است، یعنی اغراض و منافع دیگران را به رسمیت شناختن و عملاً به آنها حرمت نهادن. خودخواهی و خود دوستی را پایه تحلیل اختیار عاقلانه گرفتن نه واجب است و نه خردپسند. به عکس می‌توان بدون خوف از وقوع در ورطه تناقض چنین مبنایی را برگرفت که آدمیان اهداف متنوع دارند، از منافع تنگ شخصی گرفته تا منافع خانواده و گروه‌های بزرگتر و لذا از میان شقوق مختلف، عملی را اختیار می‌کند که بهتر از بقیه خادم آن مجموعه منافع می‌باشد (لیتل، ۱۳۸۸: ۱۰۰).

رابرت جرویس در کتاب خود با عنوان «تصورات و سوء تصورات در روابط بین‌الملل» که شاید مهمترین کتاب در این زمینه باشد، به پویش‌ها و میانبرها و پردازش‌های ذهنی که حاکی از عدم توانایی ذهن در انجام محاسبات پیچیده مورد نظر مدل عقلانی است را به تصویر می‌کشد مدل‌های شناختی را نباید به منزله روش غیرعقلانی تلقی کرد بلکه تفسیر واقع‌گرایانه از واقعیت فعالیت ذهن آدمی است. مدل‌های شناختی همچنین بر نقش هزینه‌های بالا در گردآوری اطلاعات، فشار و استرس زمانی، ابهام و مشکلات یادآوری، سوء تفاهمات، ساختار سازمانی و دیگر فاکتورهای موثر بر تصمیم‌گیری تاکید دارند. (Mintz and Derouen, 2010: 8). بنابراین با توجه به احصاء ابعاد نقد نظریه انتخاب عقلانی تصمیم‌های سیاست راهبردی، مولفه‌های آن از نظر جامعه آماری به شرح زیر بیان شده است:

الف- محدودیت‌های تصمیم‌سازی

نظریه انتخاب عقلانی بر این باور است که اهداف از قبل معین و معلوم است و یا آنقدر واضح و آشکار می‌باشد که هدف‌گذاری می‌تواند به آسانی و سادگی انجام گیرد؛ اما در شرایط واقعی تصمیم‌گیری، توان لازم برای تعیین اهداف به ندرت امکان‌پذیر می‌شود. بنا به تئوری کلاسیک تصمیم‌گیری عقلانی، تصمیم‌گیرنده باید تمامی راه‌حل‌های ممکن را یافته، تک‌تک آنها را مورد

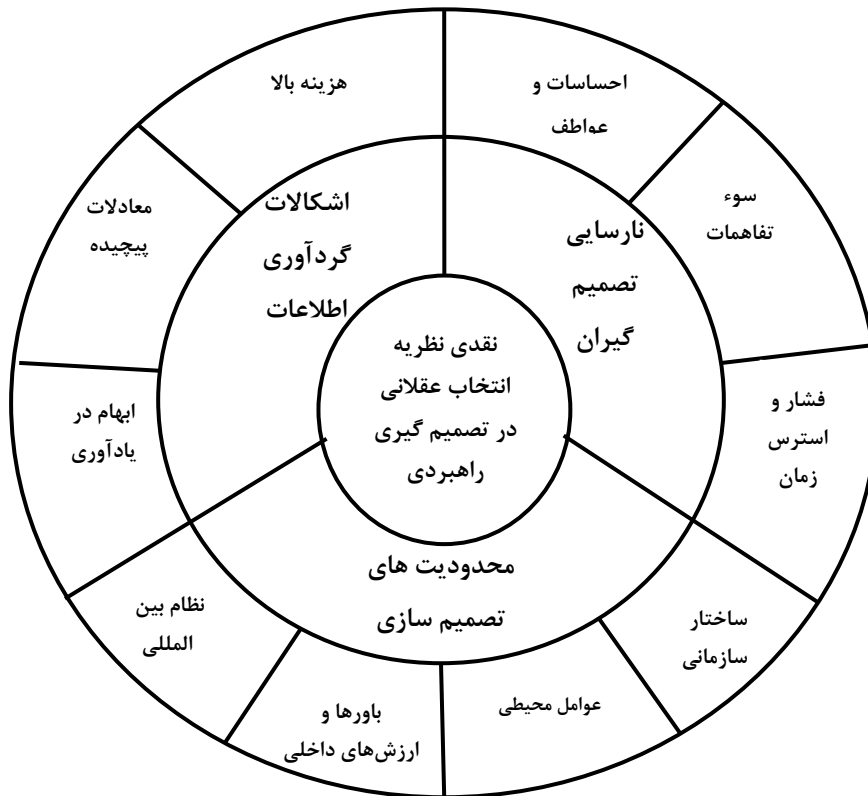
ارزیابی دقیق قرار دهد. از آنجایی که تعداد راه‌حل‌های بالقوه ممکن است بسیار زیاد باشد، اصرار در رعایت این ضابطه، تصمیم‌گیرنده را عملاً فلج و تصمیم‌گیری را غیرممکن می‌نماید؛ زیرا تصمیم‌گیرنده هرگز قادر نخواهد بود که جستجو برای شناسایی و یافتن تمامی راه‌حل‌های بالقوه مختلف و ارزیابی آنها را به پایان و سرانجامی برساند.

ب- تاثیر اشکالات گردآوری اطلاعات

نظریه بازیگر عقلانی مدعی است که اطلاعات کامل و رایگان در اختیار تصمیم‌گیرنده قرار دهد. ولی واقعیت این است که اولاً، اطلاعات به ندرت کامل و رایگان می‌باشد، دوماً هرگز نمی‌توان مطمئن و یا مدعی بود که می‌شود اطلاعات کامل برای تصمیم‌گیری فراهم آورد. جستجو، یافتن، ارزیابی و انتخاب راهی از میان راه‌ها نیز مستلزم صرف منابع، دقت و نیروی انسانی بسیار است، در نتیجه جمع‌آوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری همیشه توأم با هزینه‌های سنگین می‌باشد (سعادت، ۱۳۷۲: ۲۴)

پ- نقش نارسایی تصمیم‌گیران

یکی از اساسی‌ترین انتقادات بر نظریه انتخاب عقلانی، انتقادات هربرت سایمون است. به نظر سایمون، یک نفر نمی‌تواند ادعا کند که بهترین تصمیم را انتخاب کرده است؛ زیرا همیشه گزینه بهتری از آنچه ما در حال حاضر بهترین می‌دانیم. این گزینه یا اکنون وجود دارد یا در آینده بوجود می‌آید و در عوض فرد یا عامل اقتصادی در پی رضایت کافی است یعنی در ذهن خود یک سطح آرمانی تعریف شده دارد و اولین گزینه‌ای را که به این سطح برسد، انتخاب می‌کند. این گزینه انتخاب شده در واقع به اندازه کافی رضایت‌بخش است. در نهایت حداکثر می‌توان از یک زیر مجموعه از بهترین‌ها، بهترین را انتخاب کرد. به نظر سایمون، آن کسی که در مقام تصمیم‌گیری است، به محض اینکه راه حلی بیابد که از آن طریق بتواند ضمن تایید برخی نیازمندی‌های تعیین شده به هدف اصلی برسد، آن راه حل را برمی‌گزیند و از جستجو برای یافتن بهترین راه حل دست می‌کشد (شهرآبادی و بشیری، ۱۳۸۶: ۶۳). نمودار زیر ابعاد این نقد را در قالب ۱۰ مولفه نشان می‌دهد:



تجزیه و تحلیل

در این بخش شاخص‌های آمار توصیفی مولفه‌های مربوط به نقد نظریه انتخاب عقلانی در

تصمیم‌گیری سیاست راهبردی محاسبه شده که به قرار زیر است:

عوامل	مؤلفه‌های قابل نقد	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	خطای استاندارد میانگین	استاندارد انحراف	واریانس
تصمیم‌گیران	احساسات و عواطف	۳۰	۱	۴	۳/۴۳	۰/۱۷	۰/۹۴	۰/۸۷
	فشار و استرس زمانی	۲۹	۳	۵	۴/۵۵	۰/۱۵	۰/۷۸	۰/۶۱
	سوء تفاهات	۳۰	۳	۵	۴/۷۷	۰/۱۰	۰/۵۷	۰/۳۲
محدودیت‌های تصمیم‌سازی	اشکالات ساختار سازمانی	۳۰	۲	۴	۳/۷۷	۰/۱۰	۰/۵۷	۰/۳۲
	عدم توجه به عوامل محیطی	۳۰	۳	۵	۳/۹۳	۰/۱۲	۰/۶۴	۰/۴۱
	نادیده گرفتن باورها و	۳۰	۴	۵	۴/۴۳	۰/۰۹	۰/۵۰	۰/۲۵

ارزش‌های داخلی							اشکالات گردآوری اطلاعات	
۰/۶۰	۰/۷۸	۰/۱۴	۳/۵۳	۴	۱	۳۰		پیچیدگی نظام بین‌الملل
۰/۰۹	۰/۳۱	۰/۰۶	۴/۹۰	۵	۴	۳۰		معادلات پیچیده اطلاعات
۰/۴۶	۰/۶۸	۰/۱۲	۴/۵۷	۵	۳	۳۰		هزینه بالای جمع‌آوری اطلاعات
۰/۵۹	۰/۷۷	۰/۱۴	۴/۶۰	۵	۳	۳۰	ابهام در یادآوری	

اطلاعات توصیفی مولفه‌های نقد نظریه انتخاب عقلانی و شاخص‌های آن

بر اساس نتایج گزارش شده در جدول بالا، میانگین و انحراف استاندارد شاخص «احساسات و عواطف در نارسایی تصمیم‌گیران» به ترتیب برابر با ۳/۴۳ و ۰/۹۴ است. همچنین سایر شاخص‌های توصیفی هر یک از مولفه‌های نقدپذیر به همین ترتیب قابل ذکر است. همچنین آزمون t استودنت تک نمونه‌ای، معناداری هر یک از مؤلفه‌های نقدپذیر را که مورد آزمون قرار گرفته است نشان می‌دهد:

معداری	درجه آزادی	مقدار t	مقدار ملاک	خطای استاندارد میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	مؤلفه‌های نقد انتخاب عقلانی
۰/۰۰	۲۹	۱۵/۲۹	۳/۰۰	۰/۰۸	۰/۴۵	۴/۲۴	۳۰	محدودیت‌های تصمیم‌سازی
۰/۰۰	۲۹	۱۷/۳۹	۳/۰۰	۰/۰۵	۰/۲۹	۳/۹۲	۳۰	نارسایی‌های تصمیم‌گیران
۰/۰۰	۲۹	۲۷/۳۵	۳/۰۰	۰/۰۶	۰/۳۴	۴/۶۹	۳۰	اشکالات گردآوری اطلاعات

با توجه به نتایج جدول بالا، هر سه مؤلفه رویکرد انتخاب عقلانی در تصمیم‌گیری راهبردی به طور معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ مؤثر می‌باشد. براساس نتایج جدول فوق می‌توان گفت که مؤلفه‌های «اشکالات گردآوری اطلاعات» با ۲۷/۳۵، «نارسایی تصمیم‌گیران» با ۱۷/۳۹ و

«محدودیت‌های تصمیم‌سازی» با ۱۵/۲۹ به ترتیب بیشترین و کمترین تاثیر را داشته‌اند...

نتیجه‌گیری

مطالعات مربوط به الگوهای تصمیم‌گیری از حالت سنتی خود خارج شده و در اشکال جدید دنبال می‌شوند. امروزه نظریه تصمیم‌گیری عقلانی به چند دلیل مورد انتقادات اساسی هستند و کمتر قادر به تبیین چرایی تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری‌ها می‌باشند. نخست اینکه، تحقیقات صورت گرفته در علم عصب‌شناسی و روان‌شناسی شناخت، تحول اساسی در الگوهای تصمیم‌گیری به وجود آورده‌اند که از جمله مهمترین این نتایج، می‌توان به گریز انسان‌ها از معادلات پیچیده به محاسبات شدید و نقش هزینه‌های بالا در گردآوری اطلاعات، فشار و استرس زمانی، ابهام و مشکلات در یادآوری، سوء تفاهمات، ساختار سازمانی و دیگر فاکتورهای موثر بر تصمیم‌گیری یاد کرد، از طرف دیگر علم اعصاب هم به نقش احساسات و عواطف در تصمیم‌گیری تاکید دارند. دوم این که نظریه عقلانی تصمیم‌گیری از توجه به عوامل محیطی و سیستم باورها و ارزش‌های داخلی جوامع غفلت ورزیده‌اند. سیستم باورها و ارزش‌ها و اعتقادات نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری دارند و این مسئله زمانی اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند که دایره ارزش‌ها فراتر از اعتقادات شخصی تصمیم‌گیر با ماهیت نظام بین‌الملل گره خورده باشد. به هر حال موفقیت رویکرد عقلانی تصمیم‌گیری سیاست راهبردی در گرو توجه به نقش عوامل محیطی و داخلی می‌باشد. لذا به نظر می‌رسد انتقادات صورت گرفته به رویکرد عقلایی تصمیم‌گیری در سیاست راهبردی باعث دو تحول اساسی در حوزه نظریات مربوط به تصمیم‌گیری شده است. اولاً این انتقادات منجر به طرح مدل‌های تعدیل شده‌ای از رویکرد عقلایی تصمیم‌گیری شده ثانیاً براساس این انتقادات بهره‌گیری از رویکردهای جایگزین در تصمیم‌گیری سیاست راهبردی ضروری است.

منابع

الف - فارسی

- استونر، جیمز و دیگران، (۱۳۷۹)، مدیریت، ترجمه علی پارسیان و سید محمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- آلیسون، گراهام تی، (۱۳۶۴)، شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی؛ تفسیری بر بحران موشکی کوبا، ترجمه منوچهر شجاعی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- الوانی سیدمهدی، (۱۳۷۳)، تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی، تهران: سمت.
- بهزادی، حمید، (۱۳۵۰)، «عوامل موثر بر تعیین اهداف ملی در سیاست خارجی؛ تصمیم‌گیری در سیاست خارجی»، مجله حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره، شماره ۹۰.
- تسلیمی، محمدسعید، (۱۳۷۸)، تحلیل فرآیندی خط‌مشی‌گذاری و تصمیم‌گیری، تهران: سمت.
- خوشوقت، محمدحسین، (۱۳۸۲)، تجزیه و تحلیل تصمیم‌گیری در سیاست خارجی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۸۸)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- دووثرتی، جیمز و فالتز گراف، (۱۳۸۸)، نظریه‌ای متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، چاپ پنجم، تهران: قومس.
- رضاییان، علی، (۱۳۷۱)، اصول مدیریت، چاپ سوم، تهران: سمت.
- رمضان‌نای، روح‌الله، (۱۳۸۰)، چاقویی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- سعادت، اسفندیار، (۱۳۷۲)، فرآیند تصمیم‌گیری در سازمان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- شهرآبادی، ابوالفضل و ندا بشیری، (۱۳۸۶)، «هربرت سایمون متفکری نوآور»، مجله اقتصاد، بورس و اوراق بهادار، شماره ۶۸.
- عباس زادگان، حیدر، (۱۳۸۳)، «تصمیم‌گیری در مدیریت»، برزگر، شماره ۲۳.
- لیتل، دانیل، (۱۳۸۸)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، چاپ پنجم، تهران: نشر صراط.
- منوچهری، عباس، (۱۳۹۰)، رهیافت و روش در علوم سیاسی، تهران: انتشارات سمت.
- هیل، کریسفر، (۱۳۸۷)، ماهیت متحول سیاست خارجی، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- هیوود، اندرو، (۱۳۸۹)، سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران: نشر نی.

ب- انگلیسی

- AR bib, a. m, (1984), *Computers and the Cybernetic Society*, New York: Academic Press.
- Mintz, Alex and Karl de Rouen, (2010), *Understanding Foreign Policy Decision Making*, Cambridge University Press.
- Robbins, p. Stephan, (1991), *Organization Theory*, Prentice Hall.
- Sen, Amartya, (1982), *Choice, Welfare and Measurement*, Cambridge Mass, Mit Press.
- Stein Burner, John, (1974), *The Cybernetic Terry of Decision, New Dimension of Political Analysis*, Princeton, Princeton University Press.

